

چگونه از فرزند خود یک نابغه بسازیم

این مقاله خلاصه ای از کتاب چگونه از فرزند خود یک نابغه بسازیم نوشته شاکونتالادوی (Devi Shakuntala) است که توسط زهره زاهدی ترجمه شده است و توسط انتشارات جیحون چاپ شده است.

آیا می توان نبوغ را در فرزندان بیدار کنید؟ این سوالی است که شاکونتالادوی نویسنده کتاب در تلاش است تا به آن پاسخ گوید. بدون شک مطالعه این کتاب برای والدین کودکان دبستانی می تواند ارزشمند و مفید واقع شود.

گروه علمی فکر نو

هنگامی که نوزادی به دنیا می آید، معجزه خلقت یعنی مغز در وجود او متجلی می شود. این موهبت الهی، چاه بی تهی است که فرزندان می تواند برای سیراب کردن عطش ابدی اش برای دانستن از آن آب بکشد. اندامی است که کودک از طریق آن می تواند هزاران راه ممکن برای رسیدن به رویاها، تصورات و آرمان های خود کشف کند.

نابغه در فرهنگ وبستر چنین تعریف شده است:

کسی که توانایی فطری ذهنی، یا استعدادی منحصر به فرد داشته باشد، کسی که روحیه او الهام بخش، یا زندگی بخش یک قوم باشد، کسی که والاترین استعدادهای ذهنی به صورت موهبت به او اهداء شده باشد.

در فرهنگ آکسفورد نبوغ چنین تعریف شده است:

روح حافظ شخص، مکان یا سازمان، استعدادی طبیعی، عطیه خاص ذهنی، استعداد ذهنی غریزی و خارق العاده که در خدمت تخیل، خلاقیت یا اختراع قرار گیرد.

هر انسانی در خود «استعدادی ذاتی» و «توانی منحصر به فرد» دارد. هر کودکی با مغزی به دنیا می آید که از نظر علمی توان بالقوه داشتن «الاترین استعدادهای ذهنی» و «موهبت های خاص ذهنی» و همچنین «استعدادهای غریزی، خارق العاده، تخیلی، خلاقانه و مخترعانه» را دارد در توصیف معنوی تر «روح حافظ» مترادف با «فرشته نگهبان»، مادر خوانده پریا، راهنما، کمک غیبی یا الهام و..... و نبوغ است.

کودک هر انسانی، منحصر به فرد است و می تواند مانند یک نابغه بدرخشد. اگر با عشق از او حمایت کنید و باورش کنید، هرگز دچار احساس کمبود و حقارت که مانع موفقیت است، نخواهد شد. در عوض خود دوستی و اعتماد به نفس در او تقویت خواهد شد که هر دو از لوازم آزاد کردن آن توان بالقوه بسیار مهم یعنی نبوغ درون است که هنوز دست نخورده است.

با تقویت خود دوستی و اعتماد به نفس در کودک زمینه های آزاد شدن توان بالقوه بسیار مهم یعنی نبوغ درون که هنوز دست نخورده است مهیا می شود.

اگر شما فرزندان را باور کنید، او نیز خود را باور خواهد کرد. فرزند شما از همین حالا هم از تیزهوشی فطری برخوردار است. زیرا استعداد داشتن قدرت ذهنی خارق العاده بالقوه در مغز وجود دارد. کودک شما از توان بالایی برای اختراع کردن برخوردار است و موهبت داشتن ذهنی با تخیلات و خلاقیت های رنگی و قوی به او عطا شده است. اعتماد، حمایت، داده های ذهنی، اعتقاد شما به فرزندان امکان می دهد همه این ویژگیها را با موفقیت بروز دهد.

با بی اعتقادی به فرزند، نبوغ را از درون تخریب می کنید. برعکس، با اعتقاد راسخ نسبت به فرزندان، مانند خورشید خواهید شد که نور خود را بر غنچه ای می تاباند تا آن را به گلی شکفته مبدل کند.

برای بروز نبوغ در فرزندان به سه عامل زیر توجه کنید:

- باور کنید که شما می توانید نبوغ را فرزندان بیدار کنید.

- باور کنید که فرزندان توان آن را دارد که یک نابغه شود.

- هرگز اجازه ندهید به فکرتان خطور کند و هرگز ابراز نکنید که فرزندان کم هوش و کم استعداد است.

اگر این سه عامل کلیدی را در ذهنتان حک کنید، برای انجام ماجرابی بسیار مهم آماده اید: **بیدار کردن نبوغ در فرزندان**

در جهت نبوغ کودک نوپایان باید چهار قدم را بردارید:

۱- شرایط هدایت کننده ایجاد کنید. گل در خاک مناسب و شرایط زیست محیطی مناسب رشد می کند. فرزند آدمی نیز در شرایط هدایت کننده و مناسب گل می کند.

۲- همواره راهنمایی کنید، دستور ندهید. کودک نسبت به لحن صدای شما بسیار حساس است. آهنگ صدای خود را چنان تنظیم کنید که ملایم و ترغیب کننده باشد. اگر فرزندان فشاری احساس کند، هرگز به نتایج دلخواه نخواهید رسید.

یادگیری باید برای فرزندان تجربه ای لذتبخش باشد. اگر احساس کند یادگیری را به او تحمیل کرده اند، دیگر لذت بخش نخواهد بود.

۳- صبور باشید نه متوقع: روانشناسان کودک دریافته اند که کودک تا سن شش سال و گاه بیشتر، به هر موضوعی نمی تواند بیشتر از دو دقیقه توجه کند. یعنی کودک پس از دو دقیقه حواسش از کاری که شما می کوشید او را به آن مشغول کنید پرت می شود و سرگرم بازی با عروسک خود می شود و مجبورش نکنید به انجام کار مورد نظر شما ادامه دهد زیرا فقط باعث آزار او می شود.

۴- دانش را به همراه عشق هدیه کنید

والدین مانند همه انسانها، میل به ابراز اشتیاق و تعصب بیش از حد دارند و لذا گاهی خود و فرزندان را تحت فشار بیش از حد قرار می دهند. ممکن است وقتی مشتاق و حتی نگران بیدار کردن نبوغ در فرزندان هستید یک عامل حیاتی را فراموش کنید و آن شادی فرزندان است.

همواره دانش و تشویق خود را به همراه عشق و مهربانی تفویض کنید. زیرا نبوغ باید برای کودک یک موهبت باشد نه یک تحمیل.

فرد نابغه می تواند به کمک قدرت دانش پیشرفته، استعدادهای طبیعی پرورش یافته و اعتماد به نفس، بر رویدادها تاثیر بگذارد و سرنوشت خود را به دست گیرد. اگر از سنین پایین به کودک آموزش داده شود تا استعدادها

و مواهب خاص و منحصر به فرد خود را پرورش دهد، به او حق انتخاب و سلطه بر سرنوشت خودش داده می شود.

« مثلاً مادری را می شناسم که از هر فرصتی برای آموزش فرزندش استفاده می کند، به هنگام غذا، زمانی که کودک با بلوک هایش بازی می کند، موقع تماشای فیلم، در هنگام حمام کردن و...

مادر با در اختیار قرار دادن هر فرصتی برای یادگیری دختر، احساس طبیعی را در ذهن او تقویت می کند که یادگیری و مطالعه و تحقیق، بخشی از نفس زندگی هستند. این آموزش گرانمایی است که کودک با آن رشد می کند!

این کودک اکنون یازده ساله است. از نظر بازی با دوستان و انجام تکالیف درسی هر دو به یک اندازه لذت بخش هستند. من تضمین می کنم که این کودک همچنان که بزرگتر شود و با مطالعات سنگین تر و ضروری تر مواجه شود، هرگز دچار افسردگی پیش از امتحانات و یا احساس رنج آور «مجبورم درس بخوانم» نخواهد شد.

تا زمانی که همه والدین نفهمند که مغز همه کودکان موهبتی الهی است و می تواند به یک مغز نابغه مبدل شود، جامعه همچنان تعداد انگشت شماری «مورد مکشوف» را ستایش خواهد کرد و اکثریت را نادیده خواهد گرفت، چه ثروت گرانمایی که به هدر می رود.

بهره گیری از کتابهای مصور بدون نوشته، به کودکان خواندن نمی آموزد.

اگر هنگام خواندن کتابهای مصور با نوشته، بر روی کلمات اشاره کنید کودک با کلمات آشنا می شود. بخصوص کلماتی که بر کودک تاثیر عاطفی دارد.

استفاده از کارتهای نمایشی که روی آن نوشته و یا تصویر است برای بهتر فهماندن مطالب استفاده می شود (Flash Cards)

بر روی مقوای سفید ۲۵ در ۲۵ سانتی متر می توان با حروف بزرگ نام اسباب بازی های کودک خود را بنویسید. برای مثال روی یک مقوا بنویسید «خرس» و روی مقوای دیگر گربه و بدین وسیله با برداشتن هر اسباب بازی کارت مربوطه را برداشته و بخوانید و آنگاه برای هر اسم یک قصه بگویید و از این طریق کلمه بر ذهنش حک می شود و آنگاه از کودک بخواهید در این رابطه یک قصه بگوید.

« یک مربی کودکستان که زمانی می شناختمش، برای آموزش دختر خودش روش خاصی داشت، او کارتی را که رویش کلبه ای نوشته بود، پشت سرش پنهان می کرد و با بازیگوشی به دخترش نزدیک می شد و می گفت « مامان برای بچه اش چه قایم کرده؟ » توجه کودک یک ساله جلب می شد و سعی می کرد خود را به آن موضوع اسرار آمیز برساند.

سپس مادر کارت را بالا می گرفت و با پیروزی می گفت «گربه!» ، قهقهه شادی کردن نشان می داد که بازی نتیجه مطلوب را به بار خواهد آورد. این کودک در مدت کوتاهی خواندن یاد گرفت. به زودی خواندن جملات را آغاز کرد. مادرش کتابهای ساده مختلفی خرید که هر یک از آنها برای کودک خردسال، گنجی از دانش در برداشت. دختر کوچولو در سن چهارسالگی چنان با کلمات و جملات آشنا بود که اعجاب همگان را برمی انگیخت .

موفقیت این مادر مرهون اعتقادی بود که به فرزندش داشت و نگرش سالم و سازنده اش، و شکیبایی و شوخ طبعی اش که فرزند را مشتاق همه بازهای خواندنی می کرد.

هر مادری باید روش خاص خود را بیابد که فرزندش را به خواندن کلمات مکتوب ترغیب کند. عشق فراوان شما نسبت به فرزندتان، ضامن موفقیت شماست .

پرورش توان حرف زدن در سنین پایین ، بر توانایی خواندن کودک تاثیر مثبت دارد. می توانید همزمان با حرف زدن او دست بزنید یا به طریق دیگری شادی خود را از این امر نشان دهید. او هم به نوبه خود خوشحال می شود و میل دارد که این کار را تکرار کند. در نتیجه، او از بابت حس شنوایی خود به وجد می آید.

شعرهای انگین کودکستانی نقش مهمی ایفاء می کند. بسیاری از آنها جاذبه درونی مقاومت ناپذیر دارند اما نقش آموزشی آنها فاقد ارزش است و جذابیت آنها در ریتم آهنگین آنهاست. کودک شما هر چه زودتر به حرف بیفتد، توان خواندن زودتر در او پایه ریزی می شود. پرورش استعداد برقراری ارتباط، اولین قدم در آموزش خواندن است. هنگامی که کودکتان را تشویق به حرف زدن می کنید، در واقع او را به استفاده از استعداد طبیعی شنیدن هم ترغیب می کنید.

برای علاقمند کردن کودکتان به خواندن، باید علاقمندی به خواندن را نشان دهید. اگر فرزندتان شما را غرق در مطالعه روزنامه ببیند، یا اغلب وقتی به کتابخانه می روید تا کتابی انتخاب کنید، او را همراه خود ببرید، می فهمد که شما خواندن را دوست دارید و خواهد خواست که از شما تبعیت کند، توجه به نکات زیر می تواند مهم باشد.

- کتاب، کتاب و باز هم کتاب: سعی کنید کتاب های رنگی و با اشکال و تصاویر زیبا برای او خریداری کنید.

- با صدای بلند بخوانید: روزانه حداقل ۱۵ دقیقه را به خواندن داستان یا اشعار کودکستانی به صدای بلند برای کودکتان اختصاص دهید.

بهترین برنامه خواندن، قصه خوانی پیش از خواب است. او شامش را خورده، حمام کرده و لباس راحت خواب به تن دارد و حتی اجازه دهید داستان را خود انتخاب کند و حتی ممکن است داستانی را انتخاب کند که شب های قبل برایش خوانده اید. اشکالی ندارد تکرار کنید حتی می توانید داستان را به صورت نمایش نامه برای او اجرا کنید. هر چه خواندن را لذتبخش تر کنید، با موفقیت های بیشتری روبرو خواهید شد.

- پیگیر باشید: جلسات خواندن را مرتب تکرار کنید و هیچ چیز نباید این جلسات را به تعویق بیندازد. به گونه ای که به مرور کودک در می یابد خواندن یک امر حیاتی، تفریحی و بخشی از زندگی اوست

- سرنخایی در تصاویر، کلمات و کلمات ترکیبی بیابید: جستجوگری کودک در تصاویر، کلمات و کلمات ترکیبی سبب می شود کودک یافته های جدیدی در کتاب کشف کند و مادر با بین نکات توصیفی بیشتر می تواند ذهن کودک را بسته به موضوعات مختلف شکفته تر نماید.

-تجربه به معنا خواهد افزود: کودک از خردسالی نیاز دارد از خانه خارج شود. او را به پارک، باغ وحش و یا به اکواریوم ببرید. اجازه دهید کودکان همراه شما به بانک، بازار، سوپرمارکت یا هر جای دیگری که می روید بیایند. سفرهای سیاحتی، گنجینه ای از اطلاعات است و درباره تجربیات به دست آمده با کودک باید صحبت کرد.

-اهمیت شگفتی: کودکی که مغز کوچکش پر شده از کشفیات تازه است، دلش می خواهد افکارش را با صدای بلند توصیف کند، برای اینکه از تجربه چیزها، اماکن، حیوانات و گیاهان به شگفتی درآید، کودکان را به انجام چنین کارهایی ترغیب کنید. این بخشی از رشد مغز نابغه است.

-بازی با کلمات: بچه ها مجذوب صدا می شوند. پدری را می شناختم که تعداد زیادی بازی با کلمات بلد بود یکی از آنها این بود که از فرزندانش می خواست کلمه ای بگویند که صدای چیزی باشد مثل صداهایی که نیمه شب، در مهمانی شب سال نو به گوش می رسد: بنگ، پاپ، شلپ، ترق

چنین بازیهای تخیلی به روند آموزش، طعم خوشی و سرگرمی می بخشند. در نتیجه کودک همیشه مشتاق است، همیشه دلش می خواهد بیشتر یاد بگیرد: و این یعنی اساس نبوغ

-دائما آواز بخوانید: در خصوص تاثیرات مثبت موسیقی مطالعات زیادی شده و همچنان در حال انجام است. موسیقی بسته به نوع آن و شنونده، منجر به آزاد سازی آدرنالین یا ایندورفینها می شود و هیجان و آرامش ایجاد می کند. استفاده از لالایی برای خواباندن کودک و فرستادن او به سرزمین رویاهاست.

-سوال، سوال: کودک شما هر چه زودتر حرف زدن یاد بگیرد، زودتر به سوال کردن می افتد. کودک، شما را با سوالات مباران خواهد کرد. بخشی از رشد او بواسطه جستجوی درونی او برای دانستن است.

به سوالات او به ساده ترین و کاملترین شکل ممکن، جواب دهید. اگر جواب سوالش را نمی دانید، صادقانه به او بگویید من جواب این سوال را نمی دانم، اما جوابش را پیدا می کنم و به تو می گویم و به وعده خود عمل کنید.

کودک شما از دوران خردسالی، مرواریدهای درخشان دانش شما را جذب کرده است، آن مرواریدها دائما در درونش برق می زنند و او اکنون می خواهد بداند چرا؟ چگونه؟ چه، کی، کجا؟

-واژه سازی روزانه: واژه سازی در سنین اولیه بسیار اهمیت دارد، زیرا ذائقه یادگیری را تحریک می کند. برای واژه سازی راههای جالبی وجود دارد.

الف: تشویق فرزندتان به اینکه درباره آن چه می بینید، حرف بزند.

ب-رنگ اتوموبیل ها را سوال کنید.

ج-از زبری و نرمی پشم سگ و گربه سوال کنید

د-درباره شکل و اندازه و رنگ سنگهای موجود طبیعت سوال کنید .

ه- درباره اشیاء ویتیرین مغازه ها سوال کنید.

و- درباره واژه های تابلو اعلانات، روزنامه ها، مجلات و سوپرمارکت ها صحبت کنید.

قرار گرفتن در معرض کلمات در شخص تفکر ممتاز به وجود می آورد.

زندگی روزمره ها پر است از امکانات رنگارنگ، زنده، درخشان و آموزنده، آنها را به سود نایغه کوچولو به کار گیرید.

یک کلمه و مفاهیم بسیار: به کودک بیاموزید هر کلمه مفاهیم مختلفی دارد. سعی کنید آنها را با مفاهیم مختلف یک کلمه آشنا سازید.

بعضی از والدین نگران یادگیری بیش از حد هستند. این نگرانی وقتی موجه است که کودک شما ناچار به یادگیری و آموزش درسهایی باشد که مغزش هنوز پختگی و رشد کافی برای آن نیافته باشد.

پژوهشگران آموزش نشان داده اند که اگر کودکان را مجبور به یادگیری چیزی کنید که آمادگی اش را ندارد، احتمالاً بعدها منجر به آشفتگی ذهنی و مشکلات یادگیری در او خواهد شد.

از کجا بفهمیم کودک آمادگی دریافت چه چیز را دارد؟ بدو با مشاهده نزدیک کودکان و علایق او، چیزهایی که مایل به یادگیری شان است، چیزهایی که برایش لذت بخش اند و آن چیزهایی که قادر است در آنها ماهر شود.

باید بخاطر داشته باشید که پدر و مادر هر دو در مناسب بودن موضوعات آموزشی توافق داشته باشند و در تضاد با یکدیگر نباشند که این خود اثرات نامطلوبی در کودک دارد و لذا ضرورت یک توافق اولیه بین والدین در نحوه آموزش کودک ضروری است.



زمان قصه، زمان نواخ است

قصه گویی یک عنصر اساسی و فوق مهم در ساختن نبوغ است. این کار قدرت تفکرات خارق العاده را در یک نابغه زنده می کند. طبق نظریه روان شناسان کودک، روند رشد ذهنی کودک تا قبل از سن شش سالگی به نحو نفس گیری سریع است. بین شش تا هفت سالگی سرعت آن کاهش می یابد و رشد آهسته و ماندگار تثبیت می شود.

برانگیختن: قصه های خوب پیام هایی از امید، تلاش و موفقیت در خود دارند، بدون آن که حرفی از پند و موعظه در بین باشد. قصه ها نیروی تفکر او را بر می انگیزند.

بیداری بصری: قصه استعداد تصویر سازی خود کودک را بیدار می کند، قوه تخیل رشد یافته و پیشرفته اساس شکوفایی نبوغ است.

گوشی برای گفت و شنود: کلمات زمانی که با آهنگ و لحن متفاوت بیان شوند، مجذوب کننده می شوند.

تجربه های تازه: با قصه گفتن، فرزند شما به دنیاهای اسرار آمیز و جادویی می رود. در قصه ها به علایق بچه ها پی برده می شود و از طرفی با خواندن مطالب درباره علایق کودک، اشتیاق او را به سمت خواندن سوق می دهید و این اقدام است که به سود نابغه خواهد بود.

درک دیگران: او در داستان شخصیت های مختلف را درک می کند و تفاوتها را درمی یابد و افق دید او وسیعتر می شود.

قصه های محلی: قصه های محلی فرهنگ ملت ها را به کودک می آموزد.

الهم گرفتن از داستان های واقعی: درباره افراد برجسته جهان داستان های شنیدنی برای کودک بگویید. آنها در زمینه تاریخ، علوم، ریاضیات، مهندسی، موسیقی، سیاست و هنر وجود دارند و با همسان سازی با افراد دیگر سعی می کند خود را به سوی آنان سوق دهد. زندگی مشاهیر می تواند برای کودکان منبع الهام بزرگی باشد.

حرفهای بعد از قصه: گفتگوهای بعد از قصه می تواند شروعی برای کسب تجربیات جدید باشد و با سوالات مختلف از کودک او را به سمت یافته های جدید هدایت کنید. گاهی می تواند سوالات را از زبان اسباب بازیهای او مطرح کنید.

برای مثال خرس کوچولوی تو می پرسد چرا فیل در داستان آن گونه عمل کرد؟

بدین وسیله سبب رشد بخش تحلیل گر مغز او می شوید.

قصه گویی، اندوخته عظیم انرژی و افکار خلاقانه را در کودک شما آشکار می کند. قصه گویی جرقه کوچکی را که شعله نبوغ را در خود دارد، مستقل می کند تا در دنیایی که سرشار از امکانات عظیم است بدرخشد.

علاقمند نمودن کودکان به مدرسه یک امر بسیار مهم می باشد و والدین باید با خلاقیت خود کودکان را مشتاق حضور در مدرسه کنند.

لکا مادر یکی از کودکان می گوید:

مثلا دائما درباره مدرسه و کلاس درس به عنوان مکانی شادی آور حرف می زدم . به شاگردان بزرگتر اشاره می کردم و می گفتم «تصورش را بکن، وقتی بزرگتر شدی، تو هم به مدرسه خواهی رفت، عالی نیست؟»

بعد یک گوشه از اتاقش را به یک جور محل درس خواندن تبدیل کردم، عروسکهایش را به خط کردم و می گفتم اینها شاگردان تو هستند، برایش گچ و تخته سیاه خریدم.

آن وقت یک روز، در یکی از کتابها درباره معلمی خواندم که روی تخته سیاه کلاسش این آواز را نوشته بود:

ما داستان می خوانیم

ما در حیاط بازی می کنیم

ما ناهار می خوریم

ما آواز می خوانیم

هر روز به عنوان یک کار منظم در مدرسه عروسک های دخترم، روزش را با خواندن این آواز شروع می کردم .

بعد از اتاق بیرون می رفتم و پشت سرم می شنید که همین کلمات را برای عروسکهایش می خواند.

لکا گفت: در نهایت کودک من همچون اردکی که به طرف آب برود، به سوی مدرسه رفت

اگر کودکان با رغبت به مدرسه نروند، بعدها با مشکل روبرو می شوند.

نیچه، فیلسوف آلمانی می گوید: محال است چیزی به بار بنشیند، بی آن که ارواح سالم و برومند در ایجادش دخیل نبوده باشند.

منزل باید به یک محیط عالی آموزشی برای یادگیری کودک تبدیل شود.

خانه را از کتابهای مصور رنگی، اسباب بازی، مداد، کاغذ، مداد رنگی، آب رنگ، گل رس، کاست ضبط صوت و... پر کنید.

مکعب سازی: او باید با مکعب ها بازی کند و بزرگی و کوچکی را یاد بگیرد.

رنگ کردن با انگشت: رنگ کردن با انگشت اگرچه با کثافتکاری همراه است اما احساس وجدآور و نیرومندی به او می بخشد و تجربیات تازه ای به دست می آورد.

کشیدن خطوط: کودکان را وادار کنید بخوانند و بنویسند و نقاشی کنند.

گل رس و خمیر مجسمه سازی: تجربه خوبی کسب می کنند. ماهیت رطوبت و خمش پذیر آن را احساس می کنند.

کتاب و مجله: برای کودک کتابخانه شخصی ایجاد کنید. او را به کتابفروشی ببرید. او را مشترک مجله کنید.

نوار ضبط صوت: نوار قصه برای کودک مفید است.

افکاری درباره تلویزیون و ویدئو: سعی کنید به مدت کوتاه به بچه اجازه دهید تلویزیون و ویدئو ببیند. سعی کنید کتاب جانشین آنها باشد. استفاده زیاد از تلویزیون خلاقیت کودک را سرکوب می کند.

پذیرش و تایید: اگر کودکان کار جالبی کرده اند با اشتیاق آن را ببینید و تحسین کنید

شراکت: سعی کنید در فعالیتهای کودک شریک شوید و با این کار به او بگویید که هم خودش مهم است و هم هر کاری می کند مهم است.

سعی کنید خانه را به معبد دانش تبدیل کنید

نکات زیر می تواند نیروی عقلی کودکان را رشد دهد:

-کودک باید هشت ساعت در شبانه روز بخوابد تا ذهنش همیشه بیدار و سر حال باشد. سحرخیزی ناشی از زود خوابیدن است. صبح با سکوت آرام ذهن را فعال می سازد. بسیاری از نویسندگان گفته اند که بهترین آثار خود را در ساعات آرام سحر نوشته اند.

-صبحانه کامل: صبحانه خوردن با هم، سنتی کامل است. لازم است با آرامش باشد.

بازی و کارگروهی: بدون بازی، از نابغه بچه ای کسل کننده خواهد ساخت، بازی با بچه های همسایه برای کارگروهی ضروری است. در خانه ۱۵ تا ۲۰ دقیقه در انجام تکالیف مدرسه به او کمک کنید.

صحبت های سرشام: خانواده ای که با هم غذا می خورند. با هم یاد می گیرند و رشد می کنند. در سر شام به حرف های کودک گوش دهید و موفقیت هایش را تحسین کنید. اگر اشتباهی کرد ببخشید. یاد گرفتن از اشتباهات و توان خندیدن به خود، گام هایی اساسی در جهت دستیابی به نبوغ است.

کارهای بعد از شام: بعد از شام می توانید بازی روی تخته سیاه را انجام دهید، بازی با کلمات یا هر بازی دیگر انجام دهید و ذهن او را فعال کنید.

وقت خواب برای نابغه در حال شکوفایی: وقت خواب باید بسیار آرام و آسوده باشد، می توانید برایش با صدای بلند قصه بخوانید یا از خودتان قصه بسازید. وقت خواب کودک را در آغوش بگیرید و نوازش کنید تا او احساس امنیت کند.

سرزمین عجایب تکالیف شب: میز و صندلی و با نور کافی برایش تدارک ببینید. می توانید یک تابلو اعلانات چوب پنبه ای برایش تدارک ببینید که بر روی آن بریده روزنامه، عکس ها یا هر چیز مورد علاقه اش را بچسبانید

درس خواندن در کنار تلویزیون و رختخواب توصیه نمی شود.

مراجع آماده: کتابهای مرجع برای او بخريد، آنها برای پژوهش او خوب هستند نظیر: فرهنگ لغت، دایره المعارف، اطلس جهان، کتاب سال

رادیو و تلویزیون: کودک می تواند برنامه های مفید رادیو و تلویزیون را ببیند اما نباید زمان بازی و مطالعه او مختل شود. سعی کنید درباره برنامه های جالب تلویزیون با کودک بحث کنید و حتی درباره موضوعات مورد بحث کتاب بخريد.

کودک را ترغیب کنید اسباب بازی بسازد: او می تواند از جعبه های مقوایی، درپوش، پیت حلبی، قوطی، ماسوره، چوب ماهیگیری، قلاب و میخ چوبی، چسب و هر چیز کهنه و قابل استفاده دیگر برای ساختن اتوموبیل، چراغ راهنما، عابر پیاده و از این قبیل استفاده کند. ساخت اسباب بازی نبوغ بچه را افزایش می دهد و این اقدام قدرت تخیل او را افزایش می دهد. ساخت اسباب بازی با کودکان دیگر سبب می شود و تقسیم مسوولیت را فرا گیرد و درس تصمیم گیری مشترک را فرا می گیرد. چگونه به نیازهای دوستش پاسخ بدهد و هنر ارتباط گیری چند جانبه را یاد می گیرد.

تصمیم گیری: کودک شما با هر نوع اسباب بازی که بازی کند، به تمرین عمل ارزشمند تصمیم گیری خواهد پرداخت.

والدین به عنوان راهنما و همبازی:

خودتان یک بچه شوید و با بچه ها به ارتباط پردازید تا او رابطه برقرار کردن را فرا گیرد.

فعال باشید، یک بازی به بچه بیاموزید و آنگاه اجازه دهید او باقی راه را پیماید.

شریک او باشید: با فهمیدن علایق او و بر اساس آن فعالیتهای مختلف را برای او طراحی نمایید.

نمونه باشید: باید سرمشق خوبی برای بچه ها باشید

مهربان باشید: بچه ها تنها در آغوش پر محبت والدین و احساس امنیت می توانند پیشرفت کنند. کودکانی که زیاد با اسباب بازی، بازی می کنند اغلب از کودکانی که به میزان محدودی اسباب بازی در اختیار دارند خلاق ترند و قوه

تخیل قوی تری دارند و کودکانی که به طور مرتب، با والدینشان بازی می کنند در بزرگسالی از سطوح عالی تری از خلاقیت برخوردار می شوند.

ملاکهای لازم جهت خرید اسباب بازی :

-بازی جسمانی فعال را در پی داشته باشد: با کمک آن عضلات و بدن کودک هماهنگ عمل کنند نظیر توپ، سه چرخه، وسایل ورزشی از قبیل توپ و راکت و بدمینتون

-بازیهای ابتکاری و سازنده: بازیهایی که خلاقیت مثبت را در کودک بیدار می کند، مکعب های ساختمانی، لگو، وسایل نقاشی، کاغذ و مداد رنگی، گل مجسمه سازی، آلات موسیقی، اسباب بازیهای علمی و.....

-بازیهای اجتماعی: مهارتهای اجتماعی کودک را فعال می کند. در این موارد جوانمردی و کار گروهی را یاد می گیرند. بازیهای روی صفحه، بازی با ورق یا کلمات، معما، بازیهای خروج از خانه، بازیهای گروهی

اسباب بازی نیروی مقتدر تخیل را فعال می کند.

کنفوسیوس: طولانی ترین راهها با اولین قدم آغاز می شود.

کودک برای قدم گذاشتن در اقیانوس وسیع دانش باید از جای پا استفاده کند:

-کنجکاوی خلاقانه

-تخیل الهام گرفته از درون

-استقلال

وقتی نگرشهای ثابتی را بر کودک خود تحمیل می کنید زمانی که فرزندتان عقل رس شود، آنچنان مقید حرف مردم خواهد بود که پیش از دست زدن به هر کاری تامل خواهد کرد تا ببیند کاری که می کند در چشم اجتماع درست است یا غلط.

اما اگر شما آماده دورریختن الگوهای فکری و رفتاری کهنه باشید، فرزندتان هرگز از نشان دادن خلاقیت های خود هراس نخواهد داشت. در این صورت خواهید توانست برای بیرون کشیدن نیروهای درونی فرزندتان که متضمن فردیت، تواناییهای منحصر به فرد و نبوغ اوست، روشهای خاصی بیابید. چنین نابغه ای برای خود در اجتماع و در جهان نقشی یگانه حک خواهد کرد.

بی اعتنایی بزرگترها به کودکان تاثیر نامطلوبی بر روی آنها دارد.

سعی کنید هنگامی که در خیابان با کودک خود می روید از او سوالات مختلفی کنید و کنجکاوی او را برانگیزید.

تخیل الهام گرفته از درون: کاش در هر مدرسه موضوعی را تحت عنوان تخیل الهام گرفته از درون تدریس می کردند مانند گربه های پرنده، سرزمین کودکان، حیوانات سخنگو

تخیلات یک بچه را، هر قدر هم داستانش ظاهراً عجیب و بی معنی باشد هرگز مسخره نکنید. در صورت مسخره شدن کودک، احتمالاً در آینده گوشه گیر خواهد شد و جرات نخواهد کرد از تخیلاتش استفاده کند.

اجازه دهید کودکان در فراخوانی ابزاری که از جنس رویاست، آزاد باشد، بسیاری از اندیشه های بزرگ ریشه در تخیلات عجیب دارند.

استقلال: استقلال به نبوغ قدرت می بخشد. فرد باید احساس امنیت کند تا دست به کار تازه بزند.

برای نبوغ فرزند خود به نکات زیر نیز توجه داشته باشید:

برانگیختن برتر: تشویق در گوش کودک مانند موسیقی است

تمرکز برتر: بزرگترین لطمه یک معلم به کودک آن است که با جوهر قرمز در کارنامه اش بنویسد «بی دقت»، که در نهایت با رفتن این کارنامه در خانه و تویخ توسط والدین، این تصویر منفی در ذهن کودک حک می شود. اولین قدم در راه ایجاد تمرکز برتر آن است که در کودک تصویر مثبت از خود ایجاد کنید، موفقیت های او را تاکید کنید. همواره کودکان را ترغیب کنید که بگویند، من می توانم

-درک برتر: جان هالت (*John Holt*) نویسنده و متخصص تعلیم و تربیت آمریکایی در کتاب خود با نام علت ناموفقیت کودکان می نویسد « منظور ما از هوش، سبک خاصی از زندگی است، طرز رفتاری خاص در همه شرایط. آزمون هوش این نیست که تا چه حد می دانیم، چه باید کرد » بلکه این است که در شرایطی که نمی دانیم چه باید کرد، چه رفتاری داریم. نابعه کسی است که می تواند دانش خود را در شرایط مناسب آن به کار گیرد.

برای آن که به کودکان کمک کنید در کی برتر به دست آورد، استراتژی زیر را به او یاد بدهید:

-اطلاعات: برای رسیدن به هر هدف اطلاعات کافی کسب کند

-روش: برای رسیدن به هدف روش درستی انتخاب کند

-هدف: برای انجام درست هر کاری، هدف خود را درست تعیین کند.

-حافظه برتر: عبارت است از توانایی نگه داری و ذخیره آن تصاویر در چشم ذهن

شما می توانید با برانگیختن کودک به بحث های زنده، هدیه گرانبهای حافظه برتر را به کودکان عطا کنید. بخاطر داشته باشید بحث ها نباید برای او تنش آفرین باشد.

برای مثال من عکسی دارم که شاهزاده تیراندازی با تیر و کمان را یاد می دهد. درباره این عکس این طور می شود بحث کرد:

مادر: شاهزاده دارد به چه چیز تیر می اندازد؟

کودک: یک پرنده

مادر: پرنده کجاست؟

کودک: روی درخت، روی یکی از شاخه ها، رنگش قرمز است. می توانم آن را در بین برگهای سبز ببینم. خیلی بالاست.

مادر: آیا زاویه تیر شاهزاده درست است؟

کودک : خب بله ، فکر می کنم درست است . باید درست باشد چون ته اش را گرفته . اگر من یک خط مستقیم بکشم (می کشد)..... نمی دانم .

مادر: شاهزاده چه لباسی پوشیده ؟

کودک یک لباس (با تردید) قرمز ؟... با یک کمر بند قرمز.... تاج روی سرش گذاشته بازوبند بسته و یک تیردان پر از تیر به پشتش آویزان کرده !

مادر: چطور ایستاده

کودک : پاهاش را از هم باز گذاشته ، پاهاش را نمی بینم. پشت علف های بلند پنهان شده .

نگارش برای نبوغ یک ضرورت است ، نویسندگان خوب ، افکار روشنی دارند. و سعی نمایند از کودکی ، فرزندان را عادت دهید که بنویسد.

نابغه باید بنویسد

در نوشتن جادویی هست ، وقتی کودک شروع به نوشتن می کند ، ارتعاشات خاص را که در اثر روند تفکر در مغز ایجاد می شود ، تجربه می کند و دلش می خواهد با این افکار رابطه برقرار کند . نقاشی برای کودک مهارت بسیار مهمی است . احساسات او را در سطحی ابراز می کند و پیش درآمد نوشتن است . کودک نابغه را باید ترغیب به نقاشی کنید . پس از اینکه به حرف درآمد و نقاشی کرد و سرانجام خواندن یاد گرفت ، تدریجا او را به سمت نوشتن سوق دهید . نوشتن ، احساس رضایت شدید به وجود می آورد و می تواند باعث کیف و سرزندگی شود . زیرا فشارها تخلیه می شوند و شخص می تواند در خلوتی که مداد و کاغذ فراهم می آورد این فشارها را بیرون بدهد . نوشتن ، نقاشی کلمات است و برای رشد نبوغ یک ضرورت است . نوشتن موجب روشنی و انسجام افکار ، سازمان یابی و انضباط شخصی می شود و همچنین به کودک کمک می کند ، بهتر ارتباط برقرار کند .

برای ترغیب کودک به نوشتن ، راهنماییهای زیر را بکار ببرید .

-علاقه و محبت نشان دهید: کودک را مجبور نکنید،علاقه نشان دهید با تحسین کردن او را تشویق کنید.بگذارید کودک ، شما را در حال خواندن و نوشتن ببیند.

-والدین پرمشغله : اگر کودک زیاد حرف می زند ،بگذارید حرفهایش را بنویسد.

-مکان و وسایل : همیشه وسایل نوشتن را در اختیارش قرار دهید.

-زمان : به کودک برای نوشتن فرصت دهید.

-واکنش مثبت : علاقمندی به نوشتن او نشان دهید.

-هرگز بجای کودکتان ننویسید: هرگز انشاء او را ننویسید، باید زمینه ای ایجاد کرد که خود او بنویسد.

-هرگز انتقاد نکنید: نکات مثبت نوشتن او را تقویت کنید.

-تقلید: اشکالی ندارد در ابتدا در نوشتن ، تقلید کند ، به مرور او صاحب سبک می شود.

-سازگاری با زندگی : کاری کنید ،کارت تبریک های شخصی درست کند و برای دیگران بفرستد و همچنین بهتر است یک دوست مکاتبه ای خوب داشته باشد.

-آواز نویسی : کودک را علاقمند کنید آواز نویسی کند

-گوش کردن : به او یاد دهید به دقت گوش دهد و چیزهای جدید یاد بگیرد و آنگاه بنویسد.

-دفتر خاطرات : یادداشت های روزانه از خاطرات خود تهیه کند.

والدین باید همیشه از نقاط قوت کودک خود استفاده کنند و با کمک آنها نقاط ضعف کودک خود را ترمیم کنند.

اگر کودک شما باور کند که می تواند موفق شود مانند یک فرد موفق احساس و عمل خواهد کرد.فهرست زیر را می توانید به عنوان دوازه فرمان برای نگرش مناسب در قبال کودکتان ،به کار برید.

-با هوش

-موفق

-خلاق

-هوشیار

-عاشق یادگیری

-زیرک

-سخت کوش

-مفید و یاری دهنده

-صمیمی و غمخوار

-مستقل

-خوش سیما

-شاد، هر کجا برود با خود شادی به همراه می برد

اگر این دوازده فرمان را به خاطر داشته باشید، باور کنید و با رفتار مهربان خود، نشان دهید که در باور خود صادقید ، کودک شما مانند یک فرد موفق احساس و عمل خواهد کرد.

اگر سطح توقعات شما بالاتر از توان کودکان باشد، او را مضطرب و مشوش خواهد کرد. با کم شدن اعتماد به نفس ، خرفت و تنبل و بی علاقه خواهد شد و استعداد نبوغ او کاهش می یابد.

انگیزه مثبت ، ما از یک فرد عادی به یک فرد خارق العاده تبدیل می کند . خوش ترین خیر این است که کودک شما به طور مادرزاد دارای انگیزه طبیعی است .

برای افزایش انگیزه اجازه دهید شش محرک در نگرش شما و محیط اطرافتان نفوذ کند.

در خانه فضایی مهیج و سالم برای یادگیری ایجاد کنید.

ذهن خود و کودکان را به طور مستمر مشغول به موضوعات مثبت کنید.

همواره خود و کودکان در کنار کسانی قرار بگیرید که انگیزه ها و اعمال مثبت را در زندگی القا می کنند (اجازه ندهید کسانی که افکار منفی دارند یا موجب ناامیدی افراد می شوند، بر شما تاثیر بگذارند).

برای پیش راندن انگیزه های خود و کودکان همواره از نیروی خودتلقینی و خودباوری مثبت استفاده کنید.

هرگز ذهن کودکان را ضمیمه ذهنیات خودتان نکنید. همواره استقلال خلاق را در او ترغیب کنید.

کودکتان را با دنیای زنان و مردان بزرگ، مانند مخترعین، متفکرین، سیاستمداران، دانشمندان و هنرمندان آشنا کنید.

اگر کودک انگیزه قوی دارد، احتمالاً پدر و مادر هر دو نگرش مثبت نشان می دهند، در غیراینصورت باید در نقش مادر و پدری خود بازنگری کنید.

آیا با رفتاری خنثی و بی علاقه، با کار فرزند برخورد کرده اید؟

آیا او را به خاطر عدم موفقیتش تنبیه کرده اید؟

آیا او را در حضور دیگران شرمنده و تحقیر کرده اید؟

آیا او را به خاطر تفاوت هایی که با دیگران دارد، مسخره کرده اید؟

آیا در روند رشد کودکان از او دور بوده اید یا کاملاً شرکت نداشته اید؟

آیا انتظارات سطح بالا و فوق عالی از او داشته اید، انتظاراتی غیرواقعی؟

دیوید لوئیس (*David Lewis*) روان شناس توصیه می کند: کودکان را تشویق کنید بعضی از وظایف منزل را بر عهده بگیرد. برای پسرها هم به اندازه دخترها و برای هر کاری در منزل مسوولیتی را مشخص کنید. تحقیقات نشان می دهند که انجام چنین کارهایی موفقیت به همراه دارند.

توجه به نکات زیر می تواند زمینه ساز انگیزه در کودک باشد:

-کودک خود را از زندانهای ذهنی آزاد کنید. از سنین پایین، جریان آزادانه افکار مستقل را در ذهن او ترغیب کنید. بکن نکن های زیاد، نبوغ را در کودک محبوس می کند. خانه شما باید مانند آزاد راهی باشد که رفت و آمد اتوموبیل ها آزادند در آن جریان داشته باشد و جز در تقاطعهای حساس هیچ علامتی وجود نداشته باشد.

-در زندگی هیچ چیز مثل شکست نیست، این که کودک ممکن است احساس کند که اشتباه کرده باشد، می تواند کودک را از پا درآورد، واکنش مثبت شما نسبت به اشتباه کودکتان باید معقول و طبیعی باشد.

-اگر کودک شما هنگام نوشتن، بر روی تکلیفش جوهر ریخت، سرزنش نکنید، با ملایمت یادش دهید که چگونه از جوهر خشک کن استفاده کند.

کودک شما در روند یادگیری استقلال ممکن است کارهایی انجام دهد که از نظر شما احمقانه و ناخوشایند باشد، با دخالت در این مرحله، استقلال او را مهار می کنید و در نتیجه رشد ذهنی و عاطفی او را محدود خواهید کرد.

-به یاد داشته باشید کودک مستقل است و نباید او را وادار کرد که آرزوهای والدین را برآورده سازد.

-همه ما به هدف و مقصد نیاز داریم، به کودک نیز باید هدفی را پیش رو قرار دهیم، که او بخواهد به آن برسد.

برای اینکه یادگیرنده برتری باشید توجه به موارد زیر نمایید:

-تفکر و تحقیق: کودک باید وادار شود که درباره محیط زندگی خویش تفکر و تحقیق کند.

-تقویت و تشویق: کودک را وادار کنید که خودش راهی پیدا کند تا دانش تازه آموخته را در زندگی روزمره به کار بندد.

-تجدید نظر و تمرین

-بازیهای خانوادگی با کلمات: با کلمات خوش باشید و با آنها بازیهای مختلف خلق کنید و بازی کنید.

-کتابخانه : او را عضو کتابخانه کنید

-پیاده روی در طبیعت : به کودک بگویید با استفاده از کلمات آن چه را می بیند و تجربه می کند توصیف کند مثل خیابان دراز لش پردرخت

-سوال کردن : به موضوعات مختلف فکر کند و یک سوال طرح کند

-نتیجه گیری کردن : نتیجه گیری از درسها می تواند برای کودک ارزشمند باشد. برای مثال اگر پلیس از سگ برای پیدا کردن مجرمین استفاده می کند، آنها باید یاد بگیرند و نتیجه گیری کنند چرا از سگ ها استفاده می شود؟ سگها چه چیزی دارند که پلیس از آنها استفاده می کند؟

-بلافاصله نتیجه گیری کردن: پس از بدست آوردن یک اطلاعات لازم است به دنبال آن سریع نتیجه گیری نمایند و این موضوع می تواند آنها را وادار به تفکر کند .

برای مثال تلفن اختراع شده است ، اگر تلفن اختراع نمی شد چه اتفاقی می افتاد؟

-ساختن پلها: یادگیرنده برتر ، میان اطلاعاتی که جدیداً کسب می کند و اطلاعاتی که قبلاً به دست آورده ، پل می زند یافتن ایده های اصلی : وقتی موضوعی مورد مطالعه قرار می گیرد ، سعی کنید کودک شما به دنبال اصلی در پشت آن موضوع باشد.

طبقه بندی اطلاعات : سعی کند یاد بگیرد و اطلاعات خود را طبقه بندی نماید.

-قرینه سازی : ربط دادن اطلاعات جدید و ناآشنا به دانسته های موجود. برای مثال اگر تفاوت میان سرخرگها و سیاهرگها را می خواند به او بگویید سرخرگها، رگهای درشتی هستند که خون دارای اکسیژن را از قلب می آورند مثل بازرگانان ثروتمندی هستند که الماس های شاه را تحویل گرفته و سوار بر اسب ها می تازند و

قرینه سازی گاهی بسیار تخیلی است و با عناصر تفریحی که در آن هست به کودک کمک می کند اطلاعاتی را که می توانست بی معنی و کسل کننده باشد ، به راحتی جذب کند.

-برای مطالعه ، هدف های معین قرار دهید.

دانش را وسعت بخشید: هرچه می‌توانید کاری کنید کودک شما بیشتر یاد بگیرد. او را به گردش ببرید، با او بحث کنید، از او درباره همه چیز و هر چیز جالبی سوال کنید.

- گوش کردن یاد بگیرید: به کودک اجازه دهید حرف بزند و شما گوش دهید و این موضوع سبب می‌شود کودک از حافظه اش استفاده کند.

- آلبوم عکس درست کنید: عکس‌های مورد علاقه را در آلبومش نگاهداری کنید.

حافظه قوی باعث می‌شود تفکر و هوش بتواند جریان مداوم اطلاعات را به کار گیرد. به گفته روانشناسان معروف، حافظه ضعیف وجود ندارد، لذا این فکر را از سر کودکان بیرون کنید که حافظه اش ضعیف است.

در تربیت مغز کودکان برای داشتن حافظه قوی، هیچ رازی وجود ندارد، دو روش فوق العاده موثر وجود دارد:

- روش فراخوانی سمعی

- روش فراخوانی بصری

روش فراخوانی سمعی

پروفسور جان یوئیل (John Yuille) از دانشگاه بریتیش کلمبیا در ونکوور بیان می‌کند « بهترین راه به خاطر سپردن هر چیز، آن است که اطلاعات مزبور را فوراً به یاد بیاوریم. با ذخیره کردن اطلاعات و بازیابی فوری آنها، مسیرهایی با بازدهی بیشتر در مغز خواهید گشود.»

برای این اقدام می‌توان به نکات زیر دقت نمود:

- کودک سعی کند هر شب اتفاقات روزانه را بنویسد.

- از او بخواهید درسهایش را به شما یاد بدهد

روش فراخوانی بصری

کودک سعی کند تصاویر چیزهایی را که یاد می‌گیرد ببیند. برای مثال علاوه بر شنیدن نام یک چیز سعی کند تصاویر آن را نیز ببیند

به کودک خود یاد دهید برای فعالیت های خود برنامه داشته باشد. ابتدا کلیه فعالیت هایی را که باید انجام دهد در دفترش بنویسد نظیر درس خواندن، تفریح، مشاهده تلویزیون، مطالعه، نقاشی و....

آنگاه برای یک برنامه زمان بندی تهیه کند و انجام دهد.

یکی از مهارت های مهم که باید کودکان فراگیرند یادداشت برداری است. به گونه ای که بتوانند از نکات مهم موضوعات، برای خود یادداشت برداشته و به افکار خود نیز نظم دهند